

کام بی ز درم بخش، کاریکاتور است خوب خوب معاصر  
من در زمان تحصیل، سال ۵۳ بود که کامبیز درم بخش را شناختم - روزی در کلاس باز شد و  
آقای زرین کلک استاد جوانی را با خود به کلاس آورد که قرار بود ما را با کاریکاتور آشنا سازد.  
نحوه اندیشیدن و اجرای کار. آن موقع من در رشته دو ساله فیلمسازی انیمیشن درس می خواندم.  
کلاسهایمان عصر بود و من صبحها در دانشکده هنرهای زیبا نقاشی می خواندم.  
آثار درم بخش را از نوجوانی در مجلات مختلف دیده بودم ولی این بار که خود او را از  
نزدیک می دیدم جوان تر از آنچه می پنداشتم به نظر می آمد.  
با اینکه درس استاد را دوست داشتم ولی دل بسته کاریکاتور نبودم و می خواستم نقاش شوم  
که سالیانی بعد علاقه ام شکلی متفاوت به خود گرفت.  
روزی به همراه استاد به نمایشگاهی از آثارش رفتیم با موضوع «مینیاتورهای سیاه» که هنوز  
پوستر آن نمایشگاه و بروشورش را که برایمان امضا کرد، نگاه داشته ام (نزدیک به سی سال از آن  
زمان می گذرد).  
نمایشگاه عجیبی بود. سوژه هایی خوب که با خط هایی بسیار روان و محکم کار شده بود -  
انگار نت اصلی را یافته بود -  
او اولین کسی بود (جدا از کارهای محمص) که با این قدرت قلم توانسته بود به سراغ

مینیاتور برود و تصاویری بیافریند هم عرض آن بی آنکه به این زمینه از فرهنگ عمیق و قدیم ایران لطمه‌ای زده باشد.

درم‌بخش با این کار توانسته بود برای آنهایی که هویت را عمده‌ترین مسئله در یک اثر هنری می‌دانستند، جواب تازه‌ای داشته باشد.

اما من هنوز آن کاریکاتوری را به یاد دارم که در ابتدای انقلاب کشیده بود. (از آن دوران کارهای زیبایی را از او به یاد دارم) و آن تصویری از سلطانی تنها در جزیره‌ای بود که مشغول زدن مهر بوسه بر پشت دستهایش است.

شاید هیچگاه این گونه فرهنگ چاپلوسی و دست‌بوسی در کشور ما به این وضوح به تصویر کشیده نشده باشد و این نشانه‌ای است از هنرمندی که در کلیت آثارش توانسته است به زیباترین شکل ایرانی بودنش را از نوع نگاه و حس و حال به تمام زوایای زندگی نشان دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی